

۷۰. مسیح روح الله

عیسی مسیح به دنیا فرستاده شد تا مردم را از خدا خبر دهد. در انجیل مکتوب است که «خدا. . . بوسیله مسیح با جهان مصالحه نمود و پیام این مصالحه را به ما سپرده است.» (۲ قرنتیان ۵:۱۹).

لیوان آب نمکی که روی میز جلویتان قرار گرفته است در نظر بگیرید. از لحاظ نمونه البته کوچک است ولی هر نمونه از اصلی را بخواهیم بیاوریم ناقص و ضعیف خواهد بود. در هر صورت لیوان پر از آب دریاست. آیا ممکن است در یک موقع دریا در بندر عباس باشد و هم در نیویورک؟ مجبوریم بگوئیم «بله». آیا آبی را که داخل لیوان است می توان دریا خواند؟ احتیاط کنید. آیا آب توی لیوان دریاست؟ آیا طعم آن هم مثل آب دریاست؟ آیا منظرش مثل دریاست؟ آیا ترکیباتش مطابق ترکیبات آب دریاست؟ آیا می توانید قسمتی از آب دریا را گرفته بوسیله لیوان به اتاق آورید؟ البته ممکن است زیرا همین کار را کردیم. حال توجه کنید - فقط یک طور می توانیم دریا را داخل ظرف تصور کنیم و آن این است که موجودیت دریا بدون ظرف امکان پذیر نیست. و خود دریا هر چه بزرگ باشد توی ظرف خود ثابت است. و یگانه طریقی که میتوانیم دریا را یا قسمتی از آن را به اتاق شما بیاوریم باز هم بوسیله ظرفیست.

در مورد خدا نیز همینطور است و بسیاری در این نکته اشتباه کرده اند. در قرآن مجید نوشته شده که عیسی روح خداست. انجیل می فرماید که عیسی مملو از روح خداوند بود. با این وصف وقتی که مردم عیسی را می دیدند و مسیحیان بعد از صعودش راجع باو فکر کردند جسم او را در نظر گرفته گفتند «این روح خداست»، در صورتی که حقیقت امر نبود زیرا که یگانه چیزی که می توانستند ببینند و مشاهده کنند فقط ظرف بود - فسمت مرئی، جسمی، انسانی.

بود و دیده

نمی شد. عمر روحانی او نتیجه روح باطنیش بود. جسم و خون او با روح خدا یکسان نبود. اصل اساس ظرف نبود بلکه مظروف بود. باری بیاد داشته باشیم که در باره موضوعی صحبت میکنیم که درک و توضیح کامل آن غیر ممکن است زیرا کلمات در زبان بشر عاجز است که بتواند الهیات را بیان کند. عیسی یکتاست و نمی توانیم او را با دیگران مقایسه کنیم. روح عظیم ابدی خداوند را نمی توان بیان کرد منتهی گفته شده که عیسی روح الله است و مریم باکره با هیچ مردی همخواب نشده بود ولیکن از روح القدس آستن شده پسری را زائید که پدر جسمی نداشت. توسط این شخصی که بعیسی مسیح معروف است خدا خود را به جهانیان نمایان نمود. توسط او صراط مستقیم یا راه نجات به مردم نشان داده شد، راهی که به حیات جاودانی هدایت میکند. نیکی خداوند در افعال مسیح گسترش یافت. کلام خداوند با جسم بشر پوشانیده گردید و توسط کلمه خدا مکشوف شد. روح خداوند

در عمر بی گناه او آشکار گردید.

بنابراین آیا معنی آیه ای که می گوید «خدا در مسیح بود و مردم را به آشتی با خود فرا می خواند تا گناهانشان را ببخشد و آثار آن را پاک نماید.» (۲ قرن‌تین ۱۹:۵) چیست؟ درک آن چرا باید مشکل باشد؟ خداوند می گوید «ما به وی از رگ جان نزدیک‌تریم.» (سوره ق ۱۶). خداوند قادر کل است. خدائی که به انسان ساده و معمولی از شاه‌رگ گلویش نزدیک‌تر است به کسی چون عیسی که بی گناه و با روحش او را حمایت می نمود چقدر نزدیک‌تر خواهد بود! یعنی به کسی که فرستاد و درباره اش فرمود که کلمه ای از خداست؟

مسیح که روح خداوند در او ساکن بود چرا باین دنیا آمد تا بدست مردم مصلوب شود؟ مقصود آمدن او چه بود؟ در انجیل چنین توضیح داده شده - «خداوند واحد است، و میان خدا و مردم، انسانی وجود دارد به نام عیسی مسیح که جان خود را فدای تمام بشریت کرد تا با این کار، خدا و انسان را با یکدیگر آشتی دهد. این پیغامی است که خدا در زمان مناسب به جهانیان داد.» (اول تیموتائوس ۲:۶ و ۵).

آری خداوند در مسیح بود و توسط او دنیا بسوی وی مصالحه نمود. خود مسیح از تورات اقتباس کرده گفت «این بدن را برای من مهیا ساختی تا همچون قربانی بر قربانگاه تو فدا کنم.» (عبرانیان ۱۰:۵). در این فرد متواضع و افتاده که دوست گناهکاران، امید نومیدان و قوت ضعیفان گردید، خصلت آن که در نور

(متی ۲۳:۱) بدو داده شود -

یعنی «خدا با ما.»

سیرت عیسی مسیح مخالف قتل بود. یکی از شاعران ایرانی چنین نوشته:
«یک روزی حضرت عیسی از راهی میگذشت. دید یک شخصی بحالت بسیار بدی
کشته شده و در جاده ای افتاده است. آنوقت بسیار تعجب نموده ، انگشت خود را
به دهان خود روی دندانش نهاد و گفت "تو کی را کشته ای که ترا هم کشتند
باین حالت بسیار بد؟" بعد گفت "آن کس که ترا کشت او را هم خواهند کشت."
منهدم کنند.»

عیسی بر هی دید یکی کشته فتاده
حیران شد و بگرفت دندان سرانگشت
گفتا که که را کشتی تا کشته شدی زار
تا باز که او را بکشد آنکه ترا کشت
انگشت مزین حلقه بدر کوفتن کس
تا کس نزند خلقه بدر کوفتن مش